

Analysis and Ranking of Components of Students' Specialized Weaknesses in Simile, Metaphor, Metonymy, and Irony

- Mohammadreza Pāshā'ee (PhD), Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran.
E-mail: Pashaei.reza@cfu.ac.ir
- Akram Safari (PhD), Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran.
(Corresponding author).
E-mail: akram_safari@cfu.ac.ir
- Hātam Taghinejād, MA in Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran.
E-mail: hatamtaara@gmail.com

Abstract

This study aimed to analyze and rank the components of specialized weaknesses among eleventh grade students in the field of humanities in the rhetorical devices of simile, metaphor, metonymy, and irony. An exploratory sequential mixed methods design was employed. In the qualitative phase, 10 Persian literature teachers were selected through purposive sampling until theoretical saturation was reached. Data were collected via semi structured in-depth interviews and analyzed using open, axial, and selective coding. The validity of the qualitative findings was confirmed through researcher reflexivity, and their reliability was established using the repeatability index. In the quantitative phase, the statistical population comprised Persian literature teachers and students in the field of humanities in Abyek city during the 2023–2024 academic year. Using a census approach, all 20 teachers were included in the sample, and the student sample of 210 students was determined using Krejcie and Morgan's table and selected through simple random sampling. A researcher made questionnaire with 26 items was developed; its face validity was confirmed, and its internal consistency reliability was established using Cronbach's alpha. Data were summarized using descriptive statistics and analyzed using t test. The results revealed that students' specialized weaknesses in understanding rhetorical devices fell into four categories: simile, metaphor, metonymy, and irony. The highest ranked weaknesses were "inability to recognize covert metaphor due to failure to identify the attributes and requisite elements of the omitted vehicle" and "Students' inadequate lexical repository and semantic comprehension in the identification of ironic expressions" (coefficient = 29.39). The lowest ranked weaknesses (coefficient = 25.28) included "students' inability to employ imagination and mental visualization for discovering similarities and proportions between the tenor and vehicle in compact and extended similes", "their weakness in grammatical topics (attributive compounds) in recognizing and understanding attributive similes", "their inability to recognize the similarity relation between literal and figurative meanings in metaphorical words", "inability to recognize metaphorical attribution due to students' grammatical weakness in identifying types of nominal and attributive compounds", "inability to distinguish and differentiate between the figures of metonymy and metaphor due to the similarity between these two figures", "weakness in understanding semantic relations and lexical contiguity for better learning of the figure of metonymy", "students' inability to distinguish between irony and metonymy due to the similarity of these figures", and "weakness in recognizing infinitives, sentence structure, and compound verbs for identifying ironic expressions" were assigned the lowest importance coefficient of 25.28.

Keywords

Students, Persian Literature, Science of Rhetoric, Specialized Weaknesses



پروژہ: شکارِ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تحلیل و رتبه‌بندی مؤلفه‌های ضعف تخصصی دانش‌آموزان در تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه

■ حاتم تقی‌زاد***

■ اکرم صفری**

■ محمدرضا پاشایی*

چکیده:

هدف این پژوهش، تحلیل و رتبه‌بندی مؤلفه‌های ضعف تخصصی دانش‌آموزان پایه یازدهم رشته علوم انسانی در تشخیص و فهم آرایه‌های تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه بود. پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر نوع داده‌ها آمیخته اکتشافی بود که به شیوه متوالی کیفی - کمی انجام شد. در بخش کیفی، ۱۰ نفر از دبیران ادبیات فارسی با روش نمونه‌گیری هدفمند تا رسیدن به اشباع نظری انتخاب شدند و داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و عمیق گردآوری شد. تحلیل داده‌ها با روش تحلیل محتوا و کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام گرفت. روایی از طریق خودبازبینی محقق و پایایی با شاخص تکرارپذیری تأیید شد.

در بخش کمی، جامعه آماری شامل دبیران ادبیات فارسی و علوم و فنون شهرستان آبیگ در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ و دانش‌آموزان پایه یازدهم انسانی بود. نمونه دبیران به صورت تمام‌شمار (۲۰ نفر) و نمونه دانش‌آموزان بر اساس جدول کرجسی - مورگان، ۲۱۰ نفر و به روش تصادفی ساده انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه محقق‌ساخته ۲۶ سؤالی بود که روایی صوری و پایایی آن با آلفای کرونباخ تأیید شد. داده‌ها با آمار توصیفی و آزمون T تحلیل شدند.

یافته‌ها نشان داد ضعف‌های تخصصی دانش‌آموزان در علم بیان در چهار دسته تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه قرار می‌گیرد. بیشترین ضریب اهمیت (۲۹/۳۹) مربوط به «ناتوانی در تشخیص استعاره پنهان به دلیل تشخیص ندادن ویژگی‌ها و لوازم مشبیه به محذوف» و نیز «ضعف گنجینه واژگانی و فهم معنایی در تشخیص کنایه» بود. کمترین ضریب اهمیت (۲۵/۲۸) به مؤلفه‌هایی چون ضعف در تصویرسازی ذهنی در تشبیه، نارسایی در مباحث دستوری و ترکیبات اضافی، دشواری در تشخیص پیوند معنای اصلی و مجازی، تفکیک مجاز و استعاره، فهم روابط معنایی و مجاورت واژه‌ها، تمایز کنایه و مجاز و شناخت مصدر و ساختار فعل‌های مرکب اختصاص داشت.

دانش‌آموزان، ادبیات فارسی، علم بیان، ضعف‌های تخصصی

کلیدواژه‌ها:

□ تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۳/۱۳ □ تاریخ شروع بررسی: ۱۴۰۳/۴/۱۲ □ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۹/۲۶

* دانشیار، گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. E-mail: Pashaei.reza@cfu.ac.ir
 ** (نویسنده مسئول) استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. E-mail: akram_safari@cfu.ac.ir
 *** کارشناسی ارشد، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. E-mail: hatamtaara@gmail.com

مقدمه

سند برنامه درسی ملی نقشه کلان برنامه درسی و چهارچوب نظام برنامه‌ریزی درسی کشور را، به‌منظور تحقق اهداف آموزش و پرورش نظام جمهوری اسلامی ایران، تعیین و تبیین می‌کند. یکی از حوزه‌های یادگیری مهم در این سند، حوزه یادگیری زبان و ادبیات فارسی است. این حوزه شامل دو بخش زبان و ادبیات است. زبان فرایندی آغازشونده از درک و دریافت سخن است و به تولید زبان معنادار منجر می‌شود. ادبیات نیز تولیدی مرکب و چندسطحی است که واج، واژه، معنا و نحو، سطح و جنبه هنری را نیز شامل می‌شود. کارکرد هنری زبان در قالب ادبیات ظاهر می‌شود. برنامه درسی ملی، زبان و ادبیات فارسی را رمز هویت ملی برمی‌شمارد و آن را گنجینه گران‌ارز و سبب پیوستگی و وحدت همه اقوام ایرانی و پیوند گذشته و حال و آینده می‌داند. در این حوزه، دانش آموزان به‌گونه‌ای روشمند و علمی با پیکره نظام‌مند و عناصر سازهای زبان آشنا می‌شوند و توانایی خلق و نگارش و آفرینش در این حوزه را کسب می‌کنند (شورای عالی آموزش پرورش، ۱۳۹۱). آموزش زبان بستر مناسبی را برای پرورش مهارت‌ها و ارزش‌های اخلاقی دانش‌آموزان در قالب‌های متنوع زبان و ادبیات به‌صورت شفاهی، دیداری و نوشتاری و برای مقاصد و مخاطبان گوناگون فراهم می‌کند که شامل یادگیری زبان، یادگیری از طریق زبان و یادگیری درباره زبان است.

با توجه به اینکه در سازمان‌دهی محتوا در دوره ابتدایی، عمدتاً به کارکرد ارتباطی زبان توجه می‌شود و کارکرد هنری زبان صرفاً با هدف لذت بردن از زبان دنبال می‌شود، در دوره‌های تحصیلی بالاتر، توجه به کارکرد هنری زبان با هدف انتقال ارزش‌های فرهنگی و رشد و تقویت توانمندی‌های هنری متربیان و کسب هویت ملی انجام می‌شود (شورای عالی آموزش پرورش، ۱۳۹۱). باوجوداین، برنامه درسی ادبیات متوسطه کشور به لحاظ محتوا و پرورش قابلیت‌های مختلف در دانش‌آموزان غنای بسیاری دارد؛ اما باید در ابعاد روش‌های آموزشی نیز تحولاتی صورت گیرد و به روش‌های نوین و فعال تدریس، که این قابلیت‌ها را به دانش‌آموزان به نحو مطلوبی انتقال دهد، توجه شایان شود.

یکی دیگر از دلایل مهم اقبال به زبان و ادبیات فارسی در میان اقشار مختلف را می‌توان در عنصر خیال‌انگیزی زبان و ادبیات فارسی دانست که به گستره اندیشه، طراوت و لطافت می‌بخشد. صور خیال علم بیان ابزاری برای ارائه غیرمستقیم مطالب است که به‌نوعی شاعران و نویسندگان از آن استفاده کرده‌اند. به عبارت دیگر، عناصر علم بیان دریچه‌ای برای نگاه به دنیای بیرون و ابزاری است که به شاعر و نویسنده کمک می‌کند با استفاده از آن‌ها، زبان عادی و روزمره را به زبانی ادبی، احساسی و تأثیرگذار تبدیل کند و این روند جذاب و هنرمندانه، کلام ادبی را به وجود می‌آورد تا سخن بزرگان ماندگار و پایدار بماند (شاکری، ۱۳۹۰). ادبیات همواره بستری برای پرورش افکار و احساسات مهم انسانی است و رسالت بزرگی در جامعه بشری و بیان دردها و آرمان‌های انسانی دارد. نحوه نگارش و تدریس ادبیات باید با سایر علوم متفاوت باشد. بهترین برنامه آموزشی برای ادبیات، برنامه‌ای است که انعطاف‌پذیری مناسبی داشته باشد و امکان استفاده از مطالب و متون متناسب با سطح سنی، سطح درک و علایق را در هریک از مقاطع تحصیلی

در اختیار نویسنده قرار دهد (نیلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳).

علم بیان یکی از موضوعات اساسی ادبیات فارسی است و از بنیادهای استوار بلاغت به شمار می‌رود. آموختن این فنون بلاغی آدمی را با صور گوناگون خیال و تصویر در متون ادبی آشنا می‌سازد. این عناصر تصویرساز در ادب فارسی شامل مباحث اصلی و سنتی (تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه) هستند. در واقع علم بیان عبارت است از مجموعه قواعد و قوانینی که از طریق آن می‌توان یک معنا را به گونه‌های مختلف بیان کرد تا حقیقت معنا برای خواننده یا شنونده آشکار شود و پرده‌هایی را که پیش خاطرش آویخته کنار برود تا مخاطب به مفهوم پیام و مطلب پی ببرد؛ به شرط آنکه این شیوه‌های مختلف در میزان روشنی و پوشیدگی با همدیگر تفاوت داشته باشند و این تفاوت بر تخیل استوار باشد (علوی‌مقدم و اشراف‌زاده، ۱۳۹۵).

موضوع «بیان» یکی از بخش‌های وسیع و جذاب آرایه‌های ادبی است. استفاده از تشبیه، استعاره و کنایه انسان را از محدودیت‌های واژگانی زبان رها می‌کند و دامنه احساسات، مفاهیم و برداشت‌های او را به تصویر می‌کشد. در این میان، استعاره اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا از یک‌سو با تشبیه و از سوی دیگر با مجاز ارتباط تنگاتنگی دارد و همین امر سبب غنای زبان و رشد و شکوفایی فرهنگ جامعه می‌شود (خدای افشاری و کمالی، ۱۳۹۷).

■ بیان مسئله

آموزش و پرورش به‌منزله یک نظام دارای اجزا و عناصر متعددی است؛ از جمله کتاب، معلم و دانش‌آموز. هریک از این عناصر جایگاه ویژه‌ای در نظام آموزشی دارند و نظام آموزشی را در رسیدن به اهداف اصلی یاری می‌کنند. از جمله مؤلفه‌های اساسی و مهم این نظام، نگرش و علاقه دانش‌آموز و همچنین میزان توانایی و نقاط ضعف در وی است که باید مدنظر قرار گیرد (نیلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶).

علم بیان نخست مانند علم معانی برای روشن شدن معانی مختلف کلام الهی در قرآن کریم ایجاد شده است تا اهل فهم بتواند معانی و مفاهیم پنهان آیات قرآن کریم را از اشارات خداوند متعال درک و از سردرگمی جلوگیری کند. همین هدف در آثار شاعران و نویسندگان نیز انجام می‌شود. در لغت، بیان به معنای گفتار و شرح و تفسیر و توضیح است. علم بیان علمی است که از طریق آن می‌توان معنای خلق‌شده در ذهن را به طرق مختلف و با ترکیبات مختلف بیان کرد و راز، برخی آشکارتر و برخی پنهان‌تر باشد (تجلیل، ۱۳۹۵). رویکرد فعلی کتاب علوم و فنون پایه یازدهم به مباحث استعاره و مجاز کاملاً سنتی است. به این ترتیب، استعاره و مجاز فقط یکی از فنون و آرایه‌های ادبی به شمار می‌آیند و از این‌رو «استعاره از زبان جدا می‌شود». همچنین در این دیدگاه، مجاز به‌منزله ارائه‌ای ادبی در برابر «حقیقت» و رابطه قرار می‌گیرد و معنایی میان معنای واقعی و مجازی در قالب «علاقه» بررسی می‌شود (گندمکار و

طیب‌زاده، ۱۳۹۶). این نوع نگرش چند کاستی عمده دارد؛ زیرا اولاً ما را از سایر احتمال‌های استعاری و مجاز بهره‌مند نمی‌سازد؛ مانند امکان استعاره در کمک به رشد زبان. «به عنوان مثال، بدن انسان خود منبع ویژه‌ای برای تولید محصولات استعاری است که تمایزات غیرقابل بیان بسیاری را در زمینه‌های متعدد ایجاد می‌کند؛ مانند «سر» در: سرلشکر، سرنخ، دردسر، سبک‌سر و ...» یا نقش مهم استعاره در شناخت و درک پدیده‌ها و امور که درواقع الگوی فرهنگی را در ذهن ایجاد می‌کند؛ درحالی‌که با روش تدریس فعلی، دانش‌آموز فقط قادر به تشخیص سریع و دقیق نمونه‌هایی از استعاره، مجاز و تشبیه است. این نتیجه از نظر ادبی اصلاً رضایت‌بخش نیست؛ زیرا همه مخاطبان ما در کلاس از نظر علاقه و استعداد یادگیری و سطح دانش برابر نیستند و بنابراین طبیعی است که انتظار داشته باشیم دست‌کم برخی از آن‌ها بتوانند تشبیه، استعاره و مجازهای شاعرانه خلق کنند و از کلام شاعران و نویسندگان، این عناصر خیال‌انگیز را کشف کنند (هاشمی، ۱۳۸۹).

به کارگیری عناصر علم بیان در متون ادبی، به‌ویژه در شعر و نثر ادبی، یکی از شگردهای زیبایی‌شناسی ادبی است که در کتاب علوم و فنون یازدهم انسانی در چهار مبحث (تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه) تحت عنوان زیبایی‌شناسی نظم و نثر ادبی آورده شده است. دانش‌آموزان با درک و دریافت علم بیان و عناصر تصویرساز آن در متون ادبی، آن را رمزگشایی و معنای پنهان و هنری و مخیل‌واژه‌ها و مفاهیم را کشف می‌کنند. این عمل نقش مهمی در ارتقای قدرت تخیل و درک و فهم متون ادبی دارد و معانی و مفاهیم ادبی برایشان عینی و ملموس می‌شود؛ اما با توجه به ماهیت ذهنی و انتزاعی این مفاهیم و درک مصادیق و معنای پنهان و باطنی این عناصر، یکی از پیچیده‌ترین موضوعات ادبی هستند و از آنجایی‌که ذهن و زبان و دایرة لغات گروهی از دانش‌آموزان محدود است و مفاهیم ادبی را به‌صورت معنادار فرانگرفته‌اند، در خوانش متون ادبی و کشف رابطه معنایی بین واژه‌ها و مفاهیم ضعیف‌اند. آن‌ها در تصویرسازی مفاهیم و کشف ذهنی این عناصر با چالش‌هایی روبه‌رو بوده‌اند. دانش‌آموزان این عناصر زیبایی‌آفرین و تصویرساز را در کلاس درس می‌آموزند؛ اما از تشخیص عناصر علم بیان در بیتی یا توضیح و تشریح آن در جمله‌ای عاجزند و ما نتایج نامطلوب و عملکرد ضعیف بیشتر دانش‌آموزان در ارزشیابی‌های سالانه کلاسی و آزمون نهایی مربوط به این مباحث را شاهدیم؛ بنابراین تحلیل و پرداختن به این ضعف اساسی، مسئله و مشکلی است که باید به‌طور ویژه مدنظر قرار گیرد. بر این اساس، محقق با انجام پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که مؤلفه‌های ضعف تخصصی دانش‌آموزان در تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه کدام‌اند و ترتیب اهمیت آن‌ها چگونه است؟

■ مبانی نظری

علم بیان تجلی توانایی ذهنی شاعر است که در عرصه بلاغت مهم‌ترین ابزار تصویر است (شمیسا، ۱۳۹۸) و مجموعه‌قواعدی است که می‌توان از آن برای ادای معنای واحد به شیوه‌های مختلف یک

مطلب استفاده کرد (تجلیل، ۱۳۹۵). صور خیال، جوهر اصلی و عنصر ثابت شعر و چیزی است که از نیروی تخیل حاصل می‌شود و شامل انواع تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه می‌شود و هر کدام به نوبه خود در زیباسازی ساختمان شعر اثرگذار است و به شعر ارزش و اعتبار می‌بخشد.

پایه اصلی علم بیان تشبیه است و هر سه قسم دیگر، بیان مبتنی بر نوعی تشبیه هستند. به کارگیری تشبیه گاهی در قالب حقیقت و گاهی به شکل مجاز صورت می‌گیرد. استعمال لفظ در معنای موضوع له، حقیقت است و استعمال آن در غیر موضوع له، مجاز؛ و بحث اصلی مباحث بیان، همان مجاز است؛ زیرا به واسطه مجاز، طرق مختلف و شیوه‌های گوناگون ایراد معنی واحد، همراه با اختلاف در وضوح دلالت تحقق می‌یابد؛ نه در حوزه حقیقت. مجاز یعنی استعمال در غیر معنای حقیقی، مستلزم وجود علاقه‌ای است میان معنای حقیقی و معنای مجازی. اگر آن علاقه مشابهت بود، بحث استعاره پیش می‌آید؛ در غیر این صورت، مجاز مرسل نامیده می‌شود (کبوتری و همکاران، ۱۳۹۶).

تشبیه در اصطلاح علم بیان، به معنای ادعای شباهت است میان دو چیز؛ مشروط بر اینکه این ادعای همانندی و شباهت مبتنی بر اغراق و تخیل باشد. نکته مهم در تشبیه این است که ادعای شبیه‌بودنی که بیان می‌شود باید کذب باشد، نه حقیقی و واقعی (شمیسا، ۱۳۹۸). استعاره یکی از مفیدترین ابزار تصویرسازی هر شاعری است و بی‌شک بیان و کارایی آن بیش از تشبیه است؛ زیرا اگر تشبیه ادعای شباهت دو چیز باشد، در این نوع تصویرسازی، یکسانی ادعای غالب است. زبان استعاره می‌تواند عواطف و احساسات قلبی شاعر را، که زبان معمولی توان بیان آن را ندارد، با زبانی لطیف و نرم و به دور از منطق سخن بازگو کند (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۹).

کنایه یکی از شگردهای هنری شاعر برای بیان تأثیر بیشتر است و به دلیل اینکه یکی از قوی‌ترین راه‌های القای معنای است، بیش از سایر تصاویر هنری در بین مردم رواج دارد (کزازی، ۱۴۰۰). مجاز واژه‌های عربی به معنای غیر حقیقت است و در اصطلاح ادبی، به استعمال کلمه‌ای در غیر معنای حقیقی خود گفته می‌شود؛ به شرط آنکه آن معنا از جهتی با معنای اصلی مرتبط باشد؛ بنابراین می‌توان گفت کلمه‌ای که شاعر از آن استفاده می‌کند یک معنای حقیقی دارد و یک معنای مجازی و این دو معنا با چیزی که در اصطلاح ادبی به آن «علاقه» یا «قرینه» می‌گویند، به هم ربط داده می‌شوند. اگر این علاقه نباشد، یافتن ارتباط بین معنای حقیقی (اولیه) و مجازی (ثانویه) عملاً ناممکن خواهد بود (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۹).

عناصر علم بیان (تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز) در کتب درسی ادبیات فارسی، به دلیل ماهیت انتزاعی و درک مصادیق و معنا، از پیچیده‌ترین موضوعات هستند؛ بنابراین معلمان باید به این مفاهیم توجه بیشتری داشته باشند. همچنین ضرورت تحقیق در مورد کارایی محتوایی آن‌ها از آنجا ناشی می‌شود که ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی جامعه را می‌توان در کتاب‌های درسی، به‌ویژه مجموعه‌دروس فارسی، جست‌وجو کرد؛ به این معنا که برخی از این ارزش‌ها و هنجارها در قالب متن بیان می‌شوند.

معلمان متوجه می‌شوند که در آن‌ها برای ترویج و تثبیت این گونه ارزش‌ها توجه و مراقبت زیادی شده است. مؤلفان کتاب‌های درسی با توجه به این ارزش‌های فرهنگی - که جنبه‌های ادبی، اسلامی، تربیتی و اخلاقی دارند - متونی را انتخاب می‌کنند تا ضمن تحکیم این باورها در دانش‌آموزان، نظام آموزشی را در دستیابی به هدف ترویج این نوع هنجارها یاری دهند (صحرایی و یگانه، ۱۳۹۷).

با توجه به تأکید سند ملی برنامه درسی و مطالب پیش گفته، اهمیت آموزش صحیح و پایه‌ای آرایه‌های ادبی و عناصر علم بیان به صورت مستمر به خوبی مشهود است و دانش‌آموزان باید بتوانند خود به تحلیل متون ادبی پرداخته و تعاریف تخصصی و چهارچوب این آرایه‌ها را تشخیص دهند و دست به آفرینش هنری و خلق نوشته‌های ادبی بزنند و از این عناصر صور خیال علم بیان در گفتار و نوشتار خود بهره‌مند شوند و در این مسیر با راهنمایی معلمان کارآمد به صورت تخصصی تر و با استفاده از شیوه‌های تدریس نوین و امروزی و فعال و کاربردی و دانش‌آموزمحور به یادگیری این عناصر خیال‌انگیز ادبی اهتمام ورزند و باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان بتوانند مهارت‌های بلاغی و ادبی خود را بهبود دهند و آموزش مهارت‌های خوانداری (دقیق خوانی، خواندن تجسمی، خواندن تحلیلی و انتقادی، خواندن التذادی) و درک مطلب، توانایی صحبت کردن و نوشتن به زبان ادبی و قابل فهم را کسب کنند.

پیشینه پژوهش

نظری (۱۴۰۱) با ارائه پژوهشی تحت عنوان «زبان تصویر در علم بیان»، معتقد است درک جدیدی از تصویر ارائه داده و پژوهشش بار عاطفی یا ذهنی‌ای دارد که اندیشه و تفکر مخاطب را به نوعی تلاش وامی‌دارد. تصویر در متون ادبی، زمانی ارزشمند است که با تخیل شاعر یا نویسنده درهم آمیزد. شاعر با درآمیختن واقعیت‌ها با خیال‌های خود، تصاویر زیبایی می‌آفریند. این اثر به رابطه و پیوند میان شاعر با دنیای بیرون و اشیا و ارتباط بین گوینده و مخاطب می‌پردازد و از تصویر برای بیان واقعیت‌ها استفاده می‌کند. وی در این اثر، با ارائه تصویرها با استفاده از عناصر علم بیان (تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه)، برای ارتباط و انتقال این مفاهیم ادبی به مخاطب تلاش می‌کند و این روش را در آموزش عناصر تصویرساز علم بیان بسیار کارآمد و مؤثر می‌داند. قمبری (۱۳۹۸) در مقاله «علل ضعف دانش‌آموزان در درس ادبیات فارسی»، به این نتیجه رسید که به طور کلی علاقه نداشتن دانش‌آموزان به درس ادبیات فارسی، نبود محتوای جذاب و متنوع کتاب‌های درسی و حجم زیاد مطالب درسی از عوامل اصلی ضعف دانش‌آموزان در ادبیات فارسی است.

خدای افشاری و کمالی (۱۳۹۷) در مقاله «تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه با رویکردی زبان‌شناسانه»، آرایه‌ها و عناصر علم بیان را صرفاً فنون هنری قلمداد نکرده‌اند، بلکه آن‌ها را از ویژگی‌های ممتاز زبان ادبی دانسته و در برقراری ارتباط و انتقال مفاهیمی مانند خود زبان مؤثر می‌دانند. آن‌ها مدعی شده‌اند کنار گذاشتن روش‌های تدریس معلم‌محور و سنتی این عناصر تصویرساز و مخیل (تشبیه، استعاره،

مجاز، کنایه) و استفاده از روش‌های تدریس نوین و امروزی (بصری و واژگانی) که کارآمد و فعال است و بهترین نتایج آموزشی را در پی دارد و با توجه به ذخایر زبانی و واژگانی در حافظه زبانی دانش‌آموز و جایگزینی این واژه‌ها به جای همدیگر، خلق عناصر علم بیان کارآمد است.

صدیقیان (۱۳۹۶) در پژوهش «علم بیان و توانمندی دریافت معانی شعر و نثر»، یکی از معضلات دانش‌آموزان و درس ادبیات فارسی را حجم زیاد متون نثر و منثور و ضعف دانش‌آموزان در درک این معانی می‌داند. وی در این تحقیق سعی در فهم آن‌ها داشته و در پایان به این نتیجه رسیده است که با روش تدریس در پژوهش حاضر به جای حافظان معانی شعر و نثر می‌توان سخنوران ادبی و خلاق تربیت کرد. نویسندگان که با مفاهیم ادبی و زیبایی‌شناختی آشنا هستند.

محمدی و همکاران (۱۳۹۶) پژوهشی «آسیب‌شناسی آموزش به زبان فارسی از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان دبیرستانی کرد زبان» تأکید دارد که در جوامع چندفرهنگی نظیر ایران که نظام آموزشی آن به صورت متمرکز اداره می‌شود شایسته است که آموزش مسائل چندفرهنگی از جمله آموزش زبان مادری، جزئی از رویکرد آموزش عمومی باشد؛ این محقق تأکید می‌کند بر اساس نتایج تجربی دانش‌آموزانی که به غیر از زبان مادری آموزش می‌بینند در مؤلفه‌های فرهنگی، دانشی، نگرشی و توانشی دچار اختلال در یادگیری می‌شوند و همچنین تأکید دارند آموزش زبان مادری موجب ارتقا تفکر و رشد زبانی و ذهنی او می‌شود و این امر باعث ارتقا و رشد شناختی دانش‌آموزان می‌شود و یکی از عوامل موفقیت در یادگیری زبان دوم می‌شود و فهم نکات زبانی و ادبی و فکری زبان فارسی برایشان آسان‌تر و قابل فهم‌تر خواهد شد.

مسعودی و کلانتری (۱۳۹۵) در مقاله «آموزش کنایه‌های مندرج در کتاب‌های فارسی متوسطه اول و دوم بر اساس تصویرسازی و نقاشی»، باور دارد به منظور آموزش کارآمدتر این عناصر علم بیان باید از روش‌های بهینه استفاده کرد. وی با استفاده از روش دیداری و ارائه تصاویر، مبحث کنایه و تشبیه و استعاره و مجاز را به صورت تصویری آموزش داده است و این روش تدریس را یکی از بهترین روش‌های آموزش این عناصر تصویر آفرین معرفی می‌کند. او مدعی است این روش باعث می‌شود که درس از حالت انتزاعی و شنیداری محض خارج شود و شکلی عینی و ملموس به خود بگیرد.

بون و هیگینز^۱ (۱۹۹۳) در پژوهش «خوانندگان پایه فرارسانه‌ای: سه سال تحقیق مبتنی بر مدرسه» و همچنین لسو^۲ و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهش «اثربخشی برنامه‌های آموزش علم لغات بر کودکان مدارس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان» به این نتیجه رسیده‌اند که در این برنامه‌ها، پس از انتخاب کلمه مدنظر در متن، دانش‌آموز می‌توانست تلفظ آن را بشنود یا معنای تصویری کلمه را ببیند و یا تحلیل ساختاری آن کلمه را ببیند. همه این محققان نتایج مثبت استفاده از این ابزار خواندن را در کودکان دبستانی، راهنمایی و دبیرستان گزارش کرده‌اند.

گندم‌کار و طبیب‌زاده (۱۳۹۶) در مقاله «نگاهی تازه به چگونگی درک استعاره در زبان فارسی»، بر این باورند که در چند دهه اخیر، بحث در مورد چگونگی درک استعاره اهمیت بیشتری داشته است و

رویکردهای جدید معناشناسی، مانند معناشناسی شناختی با دیدی کاملاً متفاوت از رویکردهای سنتی به این پدیده معنایی پرکاربرد می‌نگرند. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که برای درک معنای استعاری یک کلمه، نخست باید آن را در قالب یک جمله بفهمیم و تا زمانی که به معنای کامل جمله دست نیابیم، بی‌شک درک استعاره در آن جمله ممکن نخواهد بود.

■ سؤال پژوهش

با توجه به بیان مسئله و تجارب پژوهشگران این پژوهش در بررسی نمرات فرایندی و نهایی دانش‌آموزان در این حوزه تخصصی طی سال‌های متمادی و دریافت نتایج تحلیل‌های پدیدارشناسانه مبنی بر وجود ضعف‌های تخصصی در فهم و درک عناصر علم بیان، سؤال این پژوهش به‌صورت زیر مطرح شد:

مؤلفه‌های ضعف تخصصی دانش‌آموزان در تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه کدام‌اند و از چه ترتیب اهمیتی برخوردارند؟

■ روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و بر اساس نوع داده‌ها، آمیخته اکتشافی بود که به شیوه متوالی (کیفی - کمی) انجام شد. جامعه آماری در مرحله کیفی شامل دبیران ادبیات فارسی با دست‌کم پنج سال تدریس درس علوم و فنون پایه یازدهم شهرستان آبیگ در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بودند. نمونه آماری در بخش کیفی، دبیران ادبیات فارسی بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، بر اساس دو عامل تخصص و تجربه و تا رسیدن به اشباع نظری (ده نفر) انتخاب شدند. به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها در این بخش، از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و عمیق استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا (کدگذاری باز، محوری و انتخابی) انجام شد. روایی بخش کیفی از طریق خود بازبینی محقق تأیید شد و پایایی این بخش نیز از طریق شاخص تکرارپذیری تأیید شد.

جامعه آماری بخش کمی حاضر را دبیران ادبیات فارسی و علوم و فنون شهرستان آبیگ در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ به تعداد ۲۰ نفر و تمامی دانش‌آموزان پایه یازدهم انسانی - که در سال تحصیلی مذکور در شهر آبیگ مشغول به تحصیل بودند - تشکیل می‌دهند. حجم جامعه آماری تعداد ۴۶۰ نفر است.

جدول ۱. جامعه آماری پژوهش

جامعه آماری	دانش‌آموزان دختر	دانش‌آموزان پسر	دبیران خانم	دبیران آقای
تعداد	۲۳۵	۲۲۵	۸	۱۲

نمونه آماری پژوهش حاضر را ۲۰ نفر از دبیران ادبیات فارسی و علوم و فنون که در مقطع متوسطه دوم، کتاب علوم و فنون یازدهم را تدریس می‌کنند و همچنین دانش‌آموزان پایه یازدهم انسانی به تعداد ۲۱۰ نفر از شهرستان آبیگ تشکیل می‌دهند.

در این پژوهش، حجم نمونه با تعداد نمونه آماری برابر بود. نمونه پژوهش حاضر، شامل دبیران به‌صورت تمام‌شماری ۲۰ نفر و دانش‌آموزان پایه یازدهم انسانی است که حجم آن با استفاده از جدول کرجسی - مورگان تعداد ۲۱۰ نفر است.

جدول ۲. نمونه آماری پژوهش

نمونه آماری	دانش‌آموزان دختر	دانش‌آموزان پسر	دبیران خانم	دبیران آقا
تعداد	۱۰۰	۱۱۰	۸	۱۲

در این پژوهش، ابزار جمع‌آوری داده‌ها با توجه به تحلیل علتهای ضعف تخصصی دانش‌آموزان پایه یازدهم انسانی تنظیم شده است. در همین راستا، برای پی بردن به علل و عوامل ضعف دانش‌آموزان پایه یازدهم انسانی در مباحث مربوط به علم بیان، پس از انجام مطالعات مقدماتی، از طریق مصاحبه و مطالعات اسنادی و آرشیوی، با هدف بررسی علل ضعف دانش‌آموزان در تشخیص و فهم علم بیان، در پژوهش حاضر از پرسش‌نامه محقق‌ساخته ۲۶ سؤالی استفاده شد، که بر اساس مقیاس درجه‌بندی لیکرت از بسیار زیاد تا بسیار کم تدوین شده‌اند. پرسش‌نامه محقق‌ساخته در بعد ضعف‌های تخصصی طراحی شده است. بعد تخصصی شامل چهار مؤلفه عناصر علم بیان (تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه) است که در مجموع ۲۶ گویه را به خود اختصاص داده است. پایایی سؤالات مربوط به متغیر ضعف عمومی دانش‌آموزان پایه یازدهم انسانی در تشخیص و فهم عناصر علم بیان در متون ادبی (بررسی همسانی درونی) در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. پایایی سؤالات پرسش‌نامه

آلفای کرونباخ	تعداد سؤالات پرسش‌نامه
۰.۹۰۷	۲۶

با توجه به مقدار آلفای کرونباخ جدول ۳، همسانی درونی سؤالات مطلوب است. تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسش‌نامه با استفاده از آمار توصیفی (فراوانی، میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (T Test) انجام شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک نرم‌افزار انجام شد.

یافته‌های پژوهش

♦ تحلیل داده‌های کیفی پژوهش

به‌منظور شناسایی و تحلیل عوامل ضعف دانش‌آموزان پایه یازدهم در تشخیص و فهم «علم بیان» (تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه) در متون ادبی، ابتدا از روش پژوهش کیفی استفاده شده است. بدین منظور، در مرحله اول تحقیق کیفی، از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده و با ده نفر مصاحبه شد. در این مرحله، بر اساس دو عامل تخصص و تجربه با دبیران علوم و فنون، که دست‌کم پنج سال سابقه تدریس درس علوم و فنون پایه یازدهم را داشتند و در همان سال دبیر این درس بوده‌اند، مصاحبه عمیق انجام شد. پس از انجام هر مصاحبه، محقق فایل صوتی مصاحبه را بررسی کرد و تمام صحبت‌های انجام‌شده عیناً در نرم‌افزار ورد پیاده و از این طریق، فایل صوتی به نوشتاری تبدیل شد. در مرحله بعد، با استفاده از فرایند کدگذاری متن مصاحبه‌ها، که به مبحث ضعف دانش‌آموزان پایه یازدهم در تشخیص و فهم «علم بیان» (تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه) در متون ادبی پرداخته، نیز در تحلیل استفاده شد و سپس برای شناسایی مفاهیم و تحلیل داده اقدام شد. پس از تحلیل داده‌های گردآوری‌شده، طی چند مرحله کدگذاری، ضعف تخصصی دانش‌آموزان پایه یازدهم در تشخیص و فهم «علم بیان» در متون ادبی، در چهار مؤلفه عناصر علم بیان (تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه) استخراج شد. در جدول ۴، کدهای استخراج‌شده مربوط به نشانگرهای عوامل ضعف دانش‌آموزان پایه یازدهم در تشخیص و فهم «علم بیان»، در پاسخ هریک از صاحب‌نظران در بخش ضعف تخصصی مشاهده می‌شود.

جدول ۴. کدهای استخراج‌شده مربوط به نشانگرهای عوامل ضعف‌های تخصصی دانش‌آموزان پایه یازدهم در تشخیص

و فهم علم بیان

کدهای باز	کدهای محوری	کد انتخابی
• ناتوانی دانش‌آموزان در تخیل یا تصویرسازی ذهنی برای کشف شباهت‌ها و تناسب‌ها میان مشبه و مشبیه در تشبیه فشرده و گسترده • ضعف دانش‌آموزان در تشخیص ارائه تشبیه؛ به علت آشنا نبودن با ادات تشبیه خاص و پسوندهای تشبیه‌ساز • ناتوانی دانش‌آموزان در کشف وجه‌شبه؛ به علت توجه نکردن به ویژگی برجسته مشبیه در جمله‌های تشبیهی • ناتوانی دانش‌آموزان در شناخت برخی نمادها برای یافتن مشبیه در جمله‌های تشبیهی • ضعف دانش‌آموزان در مباحث دستوری (ترکیبات اضافی) در تشخیص و فهم اضافه تشبیهی • ناتوانی دانش‌آموزان در تخیل، تصویرپردازی، تجسم‌بخشی برای فهم و خلق جمله‌های تشبیهی • استفاده نکردن از منابع دیداری و تصویری در تدریس و آموزش تشبیه و انواع آن	تشبیه	دلایل ضعف تخصصی

جدول ۴. (ادامه)

کدهای محوری	کدهای باز	کد انتخابی
دلائل ضعف تخصصی	• ناتوانی دانش‌آموزان در شناخت پیوند مشابهت بین معنای اصلی و مجازی در واژه‌های استعاری • ناتوانی در تشخیص و شناخت دانش‌آموزان از قرینه صارفه برای کشف معنای مجازی واژه‌های استعاری • ضعف در تشخیص انواع استعاره به علت یاد نگرفتن کامل مبحث تشبیه و پایه‌های آن • ناتوانی در تشخیص اضافه استعاری به سبب ضعف دستوری دانش‌آموزان در شناخت انواع ترکیبات اسمی و اضافی. • ضعف دانش‌آموزان در خوانش و فهم معنای درست اشعار و عبارات برای کشف ارتباط مشابهت بین واژه‌ها برای کشف استعاره • ناتوانی در تشخیص استعاره مکنیه به علت تشخیص ندادن ویژگی و لوازم مشبیه محذوف • محدود بودن تدریس معلم بر توضیحات و مثال‌های متن کتاب در مبحث استعاره و استفاده از تصویرسازی و نقاشی برای فهم بهتر این مثال‌ها • توجه نکردن به رویکرد زبان‌شناسی و معنی‌شناختی مبحث استعاره و استفاده نکردن از ظرافت‌های استعاره در گفت‌وگوهای روزمره با هم‌سالان و هم‌کلاسی‌ها در راستای تقویت این آرایه‌ها.	استعاری
	• ضعف در فهم و معنای عبارات‌های حقیقی و مجازی در ارائه مجاز • ناتوانی در شناخت قرینه‌ها و پسوندها و علاقه‌های بین معنای حقیقی و مجازی واژه‌های موجود در شعر و متن برای شناخت ارائه مجاز • ضعف در فهم روابط معنایی و مجاورت واژه‌ها برای یادگیری بهتر ارائه مجاز • نپرداختن کتاب علوم و فنون به انواع علاقه‌های مجاز به صورت کامل • ناتوانی دانش‌آموزان در تشخیص بین کنایه و مجاز؛ به سبب شباهت این آرایه‌ها • کم بودن علاقه دانش‌آموزان به ادبیات فاخر گذشته و استفاده نکردن از ضرب‌المثل‌ها و حکایت‌ها در گفتار و نوشتار برای یادگیری و فهم بهتر کنایه	مجاز
	• ناتوانی دانش‌آموزان در تشخیص کنایه به سبب ناتوانی در کشف ارتباط لازم و ملزوم بین معنای ظاهری (حقیقی) و باطنی (دور) عبارات کنایی • ضعف در شناخت مصدر و جمله و فعل‌های مرکب برای تشخیص عبارات کنایی • استفاده نکردن دبیران از ابزارهای تصویری و نمایشی برای فهم بهتر این ارائه ادبی • ضعف در تشخیص و فهم کنایه به سبب نبود علاقه و قرینه در ساختار جمله‌ها و عبارات‌های کنایی • ضعف گنجینه واژگانی و لغوی و فهم معنایی دانش‌آموزان در تشخیص کنایه	کنایه

پس از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها، ۲۶ کد باز استخراج شد. کدهای استخراجی با توجه به نزدیکی و شباهت‌ها در ۴ کد محوری (تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز) و به‌عنوان دلایل ضعف تخصصی دسته‌بندی شدند و الگوی اولیه و مفهومی عوامل ضعف تخصصی دانش‌آموزان پایه یازدهم در تشخیص و فهم «علم بیان» در متون ادبی به دست آمد.



شکل ۱. ابعاد ضعف‌های تخصصی دانش‌آموزان در علم بیان

♦ تحلیل داده‌های کمی

با توجه به شناسایی علت‌های ضعف تخصصی دانش‌آموزان پایه یازدهم انسانی در آزمون نهایی درس علوم و فنون دو، در بخش کیفی، به‌منظور تعیین اهمیت هریک از ضعف‌های شناسایی‌شده، پرسش‌نامه محقق‌ساخته ۲۶سؤالی دارای چهار بعد (ضعف‌های دانش‌آموزان در تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه) بر اساس مقیاس درجه‌بندی لیکرت از بسیار زیاد تا بسیار کم تدوین شد. سؤال ۱ تا ۷ ضعف‌های مربوط به عنصر تشبیه، سؤال ۸ تا ۱۵ ضعف‌های مربوط به عنصر استعاره، سؤال ۱۶ تا ۲۱ ضعف‌های مربوط به عنصر مجاز و سؤال‌های ۲۲ تا ۲۶ ضعف‌های مربوط به عنصر کنایه بود که برای پاسخ‌گویی در اختیار دبیران و دانش‌آموزان قرار گرفت.

جدول ۵. میزان اهمیت ضعف‌های تخصصی در تشخیص و فهم «علم بیان عنصر تشبیه» از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان

بُعد	گویه‌ها	دانش‌آموزان	دبیران	میانگین	ضریب اهمیت
ضعف‌های تخصصی در تشخیص و فهم علم بیان عنصر تشبیه	• ناتوانی دانش‌آموزان در تخیل یا تصویرسازی ذهنی برای کشف شباهت‌ها و تناسب‌ها میان مشبه و مشبه‌به در تشبیه فشرده و گسترده	۵۰/۶۱٪	۴۵٪	۴۷/۸۰۵	۲۵/۲۸
	• ضعف دانش‌آموزان در تشخیص ارائه تشبیه به علت آشنا نبودن با ادات تشبیه خاص و پسوندهای تشبیه‌ساز	۴۸/۹۰٪	۶۰٪	۵۴/۴۵	۲۸/۷۹
	• ناتوانی دانش‌آموزان در کشف وجه‌شبه به علت توجه نکردن به ویژگی برجسته مشبه‌به در جملات تشبیهی	۵۳/۴۴٪	۵۰٪	۵۱/۷۲	۲۷/۳۴
	• ناتوانی دانش‌آموزان در شناخت برخی نمادها برای یافتن مشبه‌به در جملات تشبیهی	۵۵/۴۶٪	۴۵٪	۵۰/۲۳	۲۶/۵۶
	• ضعف دانش‌آموزان در مباحث دستوری (ترکیبات اضافی) در تشخیص و فهم اضافه تشبیهی	۵۰/۶۱٪	۴۵٪	۴۷/۸۰۵	۲۵/۲۸
	• ناتوانی دانش‌آموزان در تخیل، تصویرپردازی، تجسم‌بخشی برای فهم و خلق جملات تشبیهی	۵۵/۴۶٪	۴۵٪	۵۰/۲۳	۲۶/۵۶
	• استفاده نکردن از منابع دیداری و تصویری در تدریس و آموزش تشبیه و انواع آن	۴۶/۱۵٪	۶۰٪	۵۳/۰۶	۲۸/۰۶

از بین گویه‌های ۱ تا ۷ پرسش‌نامه از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان، میزان اهمیت ضعف‌های تخصصی در تشخیص و فهم «علم بیان عنصر تشبیه» به ترتیب به صورت زیر است:

«ضعف دانش‌آموزان در تشخیص ارائه تشبیه به علت آشنا نبودن با ادات تشبیه خاص و پسوندهای تشبیه‌ساز» و «ضعف دانش‌آموزان در تشخیص ارائه تشبیه به علت آشنا نبودن با ادات تشبیه خاص و پسوندهای تشبیه‌ساز» با ۲۸/۷۹ درصد، «استفاده نکردن از منابع دیداری و تصویری در تدریس و آموزش تشبیه و انواع آن» و «استفاده نکردن از منابع دیداری و تصویری در تدریس و آموزش تشبیه و انواع آن» با ۲۸/۰۶ درصد و «ناتوانی دانش‌آموزان در کشف وجه‌شبه به علت توجه نکردن به ویژگی برجسته مشبه‌به در جملات تشبیهی»، «ناتوانی دانش‌آموزان در کشف وجه‌شبه به علت توجه نکردن به ویژگی برجسته مشبه‌به در جملات تشبیهی» با ۲۷/۳۴ درصد و «ناتوانی دانش‌آموزان در شناخت برخی نمادها برای یافتن مشبه‌به در جملات تشبیهی»، «ناتوانی دانش‌آموزان در تخیل، تصویرپردازی، تجسم‌بخشی برای فهم و خلق جملات تشبیهی»، «ناتوانی دانش‌آموزان در شناخت برخی نمادها برای یافتن مشبه‌به در جملات تشبیهی»، «ناتوانی دانش‌آموزان در تخیل، تصویرپردازی، تجسم‌بخشی برای فهم و خلق جملات تشبیهی» با ۲۶/۵۶ درصد و «ناتوانی دانش‌آموزان در تخیل یا

تصویرسازی ذهنی برای کشف شباهت‌ها و تناسب‌ها میان مشبه و مشبه‌به در تشبیه فشرده و گسترده»، «ضعف دانش‌آموزان در مباحث دستوری (ترکیبات اضافی) در تشخیص و فهم اضافه تشبیهی»، «ناتوانی دانش‌آموزان در تخیل یا تصویرسازی ذهنی برای کشف شباهت‌ها و تناسب‌ها میان مشبه و مشبه‌به در تشبیه فشرده و گسترده»، «ضعف دانش‌آموزان در مباحث دستوری (ترکیبات اضافی) در تشخیص و فهم اضافه تشبیهی» با ۲۵/۲۸ درصد.

جدول ۶. میزان اهمیت ضعف‌های تخصصی در تشخیص و فهم «علم بیان عنصر استعاره» از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان

بُعد	گویه‌ها	دانش‌آموزان	دبیران	میانگین	ضریب اهمیت
ضعف‌های تخصصی در تشخیص و فهم علم بیان عنصر استعاره	• ناتوانی دانش‌آموزان در شناخت پیوند مشابهت بین معنای اصلی و مجازی در واژه‌های استعاری	۵۰/۶۱٪	۴۵٪	۴۷/۸۰۵	۲۵/۲۸
	• ناتوانی در تشخیص و شناخت دانش‌آموزان از قرینه صارفه برای کشف معنای مجازی واژه‌های استعاری	۵۳/۴۴٪	۵۰٪	۵۱/۷۲	۲۷/۳۴
	• ضعف در تشخیص انواع استعاره به علت یاد نگرفتن کامل مبحث تشبیه و پایه‌های آن	۴۶/۱۵٪	۶۰٪	۵۳/۰۶	۲۸/۰۶
	• ناتوانی در تشخیص اضافه استعاری به خاطر ضعف دستوری دانش‌آموزان در شناخت انواع ترکیبات اسمی و اضافی	۵۰/۶۱٪	۴۵٪	۴۷/۸۰۵	۲۵/۲۸
	• ضعف دانش‌آموزان در خوانش و فهم معنای درست اشعار و عبارات به‌منظور کشف ارتباط مشابهت بین واژه‌ها برای کشف استعاره	۴۶/۱۵٪	۶۰٪	۵۳/۰۶	۲۸/۰۶
	• ناتوانی در تشخیص استعاره مکنیه به علت تشخیص ندادن ویژگی و لوازم مشبه‌به محذوف	۴۶/۱۵٪	۶۵٪	۵۵/۵۸	۲۹/۳۹
	• محدود بودن تدریس معلم بر توضیحات و مثال‌های متن کتاب در مبحث استعاره و عدم استفاده از تصویرسازی و نقاشی برای فهم بهتر این مثال‌ها	۵۳/۴۴٪	۵۰٪	۵۱/۷۲	۲۷/۳۴
	• توجه نکردن به رویکرد زبان‌شناسی و معنای شناختی مبحث استعاره و استفاده نکردن از ظرافت‌های استعاره در گفت‌وگوهای روزمره با هم‌سالان و هم‌کلاسی‌ها در راستای تقویت این ارائه‌ها.	۵۵/۴۶٪	۴۵٪	۵۰/۲۳	۲۶/۵۶
	• ناتوانی در تشخیص و تفکیک بین آرایه مجاز و استعاره به سبب شباهت این آرایه‌ها به همدیگر	۵۰/۶۱٪	۴۵٪	۴۷/۸۰۵	۲۵/۲۸

از بین گویه‌های ۸ تا ۱۵ پرسش‌نامه، از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان میزان اهمیت ضعف‌های تخصصی در تشخیص و فهم «علم بیان عنصر استعاره» به‌ترتیب به‌صورت زیر است: «ناتوانی در تشخیص استعاره مکنیه به علت تشخیص ندادن ویژگی و لوازم مشبه‌به محذوف» ۲۹/۳۹ درصد، «ضعف در

تشخیص انواع استعاره به علت یاد نگرفتن کامل مبحث تشبیه و پایه‌های آن، «ضعف دانش‌آموزان در خوانش و فهم معنای درست اشعار و عبارات برای کشف ارتباط مشابهت بین واژه‌ها برای کشف استعاره» ۲۸/۰۶ درصد و «ناتوانی در تشخیص و شناخت دانش‌آموزان از قرینه صارفه برای کشف معنای مجازی واژه‌های استعاری»، «محدود بودن تدریس معلم بر توضیحات و مثال‌های متن کتاب در مبحث استعاره و استفاده نکردن از تصویرسازی و نقاشی برای فهم بهتر این مثال‌ها» ۲۷/۳۴ درصد و «توجه نکردن به رویکرد زبان‌شناسی و معنی‌شناختی مبحث استعاره و استفاده نکردن از ظرفیت‌های استعاره در گفت‌وگوهای روزمره با هم‌سالان و هم‌کلاسی‌ها در راستای تقویت این ارائه‌ها» ۲۶/۵۶ درصد و «ناتوانی دانش‌آموزان در شناخت پیوند مشابهت بین معنای اصلی و مجازی در واژه‌های استعاری»، ناتوانی در تشخیص اضافه استعاری به سبب ضعف دستوری دانش‌آموزان در شناخت انواع ترکیبات اسمی و اضافی، «ناتوانی در تشخیص و تفکیک بین آرایه مجاز و استعاره به سبب شباهت این آرایه‌ها به همدیگر» ۲۵/۲۸ درصد.

جدول ۷. میزان اهمیت ضعف‌های تخصصی در تشخیص و فهم «علم بیان عنصر مجاز» از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان

بُعد	گویه‌ها	دانش‌آموزان	دبیران	میانگین	ضرب اهمیت
ضعف‌های تخصصی در تشخیص و فهم علم بیان عنصر مجاز	● ضعف دانش‌آموزان در تشخیص مجاز به علت عدم شناخت علاقه و پیوند بین معنای حقیقی و مجازی واژه‌ها	۵۳/۴۴٪	۵۰٪	۵۱/۷۲	۲۷/۳۴
	● ناتوانی در شناخت قرینه‌ها و پیوندها و علاقه‌های بین معنای حقیقی و مجازی واژه‌های موجود در شعر و متن برای شناخت ارائه مجاز	۴۶/۱۵٪	۶۰٪	۵۳/۰۶	۲۸/۰۶
	● ضعف در فهم روابط معنایی و مجاورت واژه‌ها برای یادگیری بهتر ارائه مجاز	۵۰/۶۱٪	۴۵٪	۴۷/۸۰۵	۲۵/۲۸
	● عدم پرداختن کامل کتاب به انواع علاقه‌های مجاز در کتاب علوم و فنون	۴۶/۱۵٪	۶۰٪	۵۳/۰۶	۲۸/۰۶
	● ناتوانی دانش‌آموزان در تشخیص بین کنایه و مجاز و به خاطر شباهت این آرایه‌ها	۵۰/۶۱٪	۴۵٪	۴۷/۸۰۵	۲۵/۲۸
	● توجه نکردن به قابلیت‌های زبانی برای تولید واژگان مجازی در گفتار و نوشتار	۵۵/۴۶٪	۴۵٪	۵۰/۲۳	۲۶/۵۶

از بین گویه‌های ۱۶ تا ۲۱ پرسش‌نامه از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان میزان اهمیت ضعف‌های تخصصی در تشخیص و فهم «علم بیان عنصر مجاز» به ترتیب به صورت زیر است:

«ضعف در فهم و معنای عبارات حقیقی و مجازی در ارائه مجاز» ۲۷/۳۴ و «ناتوانی در شناخت قرینه‌ها و پیوندها و علاقه‌های بین معنای حقیقی و مجازی واژه‌های موجود در شعر و متن برای شناخت

ارائه مجاز»، «عدم پرداختن کامل کتاب به انواع علاقه‌های مجاز در کتاب علوم و فنون» ۲۸/۰۶ درصد و «کم‌بودن علاقه دانش‌آموزان به ادبیات فاخر گذشته و استفاده نکردن از ضرب‌المثل‌ها و حکایات در گفتار و نوشتار برای یادگیری و فهم بهتر کنایه» ۲۶/۵۶ درصد و «ناتوانی در تشخیص و تفکیک بین ارائه مجاز و استعاره به خاطر شباهت این ارائه‌ها به همدیگر»، «عدم پرداختن کامل کتاب به انواع علاقه‌های مجاز در کتاب علوم و فنون»، «ناتوانی دانش‌آموزان در تشخیص بین کنایه و مجاز و به خاطر شباهت این ارائه‌ها» ۲۵/۲۸ درصد.

جدول ۸. میزان اهمیت ضعف‌های تخصصی در تشخیص و فهم «علم بیان عنصر کنایه» از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان

بُعد	گویه‌ها	دانش‌آموزان	دبیران	میانگین	ضریب اهمیت
ضعف‌های تخصصی در تشخیص و فهم علم بیان عنصر کنایه	• ناتوانی دانش‌آموزان در تشخیص کنایه به خاطر ناتوانی در کشف ارتباط لازم و ملزوم بین معنای ظاهری (حقیقی) و باطنی (دور) عبارات کنایی	٪۵۵/۴۶	٪۴۵	۵۰/۲۳	۲۶/۵۶
	• ضعف در شناخت مصدر و جمله و فعل‌های مرکب برای تشخیص عبارات کنایی	٪۵۰/۶۱	٪۴۵	۴۷/۸۰۵	۲۵/۲۸
	• استفاده نکردن دبیران از ابزارهای تصویری و نمایشی برای فهم بهتر این ارائه ادبی	٪۴۶/۱۵	٪۶۰	۸۳/۰۶	۲۸/۰۶
	• ضعف گنجینه واژگانی و لغوی و فهم معنایی دانش‌آموزان در تشخیص کنایه	٪۴۶/۱۵	٪۶۵	۵۵/۵۸	۲۹/۳۹
	• کم‌بودن علاقه دانش‌آموزان به ادبیات فاخر گذشته و استفاده نکردن از ضرب‌المثل‌ها و حکایات در گفتار و نوشتار برای یادگیری و فهم بهتر کنایه	٪۵۵/۴۶	٪۴۵	۵۰/۲۳	۲۶/۵۶

از بین گویه‌های ۲۲ تا ۲۶ پرسش‌نامه از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان میزان اهمیت ضعف‌های تخصصی در تشخیص و فهم «علم بیان عنصر کنایه» به‌ترتیب به‌صورت زیر است: «ضعف گنجینه واژگانی و لغوی و فهم معنایی دانش‌آموزان در تشخیص کنایه» ۲۹/۳۹ درصد و «استفاده نکردن دبیران از ابزارهای تصویری و نمایشی برای فهم بهتر این ارائه ادبی» ۲۸/۰۶ درصد و «ناتوانی دانش‌آموزان در تشخیص کنایه به خاطر ناتوانی در کشف ارتباط لازم و ملزوم بین معنای ظاهری (حقیقی) و باطنی (دور) عبارات کنایی» ۲۶/۵۶ درصد و «ضعف در شناخت مصدر و جمله و فعل‌های مرکب برای تشخیص عبارات کنایی» ۲۵/۲۸ درصد علت ضعف تخصصی دانش‌آموزان در تشخیص و فهم عناصر علم بیان از لحاظ عنصر کنایه در متون ادبی بین دانش‌آموزان شناخته شد

■ نتیجه‌گیری ■

با توجه به تجزیه و تحلیل پژوهش و پس از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها و دسته‌بندی کدهای باز استخراج‌شده، تعداد چهار کد محوری (تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز) به‌منزله دلایل ضعف تخصصی مشخص شدند. در میان دلایل تخصصی ضعف دانش‌آموزان در بعد تشبیه: «ناتوانی در تشخیص استعاره مکنیه به علت نشناختن ویژگی و لوازم مشبه‌به محذوف» و «ضعف گنجینه واژگانی و لغوی و فهم معنایی دانش‌آموزان در تشخیص کنایه» با ضریب اهمیت ۲۹/۳۹ و «ضعف دانش‌آموزان در تشخیص ادات تشبیه به علت آشنا نبودن با ادات تشبیه خاص و پسوندهای و شبیه‌ساز»، «استفاده نکردن از منابع دیداری و تصویری در تدریس و آموزش تشبیه و انواع آن»، در بعد استعاره: «ضعف در تشخیص انواع استعاره به علت یاد نگرفتن کامل مبحث تشبیه و پایه‌های آن»، «ضعف دانش‌آموزان در خوانش و فهم معنای درست اشعار و عبارات برای کشف ارتباط مشابهت بین واژه‌ها برای کشف استعاره» و در بعد مجاز: «ناتوانی در شناخت قرینه‌ها و پیوندها و علاقه‌های بین معنای حقیقی و مجازی واژه‌های موجود در شعر و متن برای شناخت ارائه مجاز»، «نپرداختن کتاب علوم و فنون به انواع علاقه‌های مجاز به‌صورت کامل» و «استفاده نکردن دبیران از ابزارهای تصویری و نمایشی برای فهم بهتر این ارائه ادبی» با ضریب اهمیت ۲۸/۰۶، بیشترین ضریب اهمیت را به خود اختصاص داده‌اند.

همچنین در بعد تشبیه: «ناتوانی دانش‌آموزان در تخیل یا تصویرسازی ذهنی برای کشف شباهت‌ها و تناسب‌ها میان مشبه و مشبه‌به در تشبیه فشرده و گسترده» و «ضعف دانش‌آموزان در مباحث دستوری (ترکیبات اضافی) در تشخیص و فهم اضافه تشبیهی»؛ در بعد استعاره: «ناتوانی دانش‌آموزان در شناخت پیوند مشابهت بین معنای اصلی و مجازی در واژه‌های استعاری» و «ناتوانی در تشخیص اضافه استعاری به سبب ضعف دستوری دانش‌آموزان در شناخت انواع ترکیبات اسمی و اضافی»؛ در بعد مجاز: «ناتوانی در تشخیص و تفکیک بین ارائه مجاز و استعاره به سبب شباهت این ارائه‌ها به همدیگر» و «ضعف در فهم روابط معنایی و مجاورت واژه‌ها برای یادگیری بهتر ارائه مجاز» و در بعد کنایه: «ناتوانی دانش‌آموزان در تشخیص بین کنایه و مجاز و به سبب شباهت این ارائه‌ها» و «ضعف در شناخت مصدر و جمله و فعل‌های مرکب برای تشخیص عبارات کنایی» با ضریب اهمیت ۲۵/۲۸ کمترین ضریب اهمیت را به خود اختصاص داده‌اند.

نتایج این یافته با نتایج قمبری (۱۳۹۸)، گندمکار و طیب‌زاده، (۱۳۹۶)،

شفیعیون (۱۳۹۸)، خدای افشاری و کمالی (۱۳۹۷)، صدیقیان (۱۳۹۶)، حیدری (۱۳۹۲)، فشارکی (۱۳۸۸)، بون و هیگینز (۱۹۹۳) و همچنین لسو و همکاران (۲۰۱۴) همسوست.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر، علم بیان حرکت ذهنی از معنایی حاضر به کشف معنای پنهان در یک واژه یا عبارت ادبی همراه با تخیل است که اساس زبان ادبی است. تمام مباحث علم بیان (تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه) این ویژگی را دارند؛ بنابراین باید آموزش عناصر علم بیان از همان دوران ابتدایی همراه با رشد تفکر و مهارت شناختی به صورت مستمر صورت پذیرد؛ زیرا با یادگیری این عناصر ادبی و خیال‌انگیز، فهم ریزه‌کاری‌های هنری شاعران و نویسندگان و رمزگشایی زبان ادبی آنان برای دانش‌آموزان آسان‌تر شده و از خوانش آثار ادبی لذت می‌برند. یادگیری معنادار این عناصر ادبی، باعث تقویت مهارت سخنوری و تقویت سواد ادبی و هنری آن‌ها می‌شود. همچنین استفاده از روش‌های نوین یاددهی - یادگیری این عناصر خیال‌انگیز باعث تقویت مهارت‌های زبانی و ادبی، رشد تفکر و تخیل و گسترش گنجینه لغات و فهم روابط معنایی واژه‌ها در ساختار شعر و متون ادبی می‌شود و دانش‌آموز با یادگیری تخصصی تشبیه و استعاره و مجاز و کنایه، می‌تواند به تحلیل متون ادبی بپردازد، تعریف‌های تخصصی و چهارچوب این آرایه‌ها را تشخیص دهد و دست به آفرینش هنری و خلق نوشته‌های ادبی بزند. همچنین از این عناصر تخیلی علم بیان در گفتار و نوشتار خود بهره‌مند می‌شود و فن بیان خود را ارتقا می‌بخشد و در خلق مفاهیم ادبی تازه و بکر، بر مبنای اصل آشناسازی و آشنایی‌زدایی، به برجسته‌سازی مطالب ادبی در گفتار و نوشتار دست می‌یابد و در این مسیر، با راهنمایی معلمان توانمند، با استفاده از شیوه‌های تدریس نوین و امروزی و آموزش مهارت‌های خوانداری (دقیق‌خوانی، خواندن تجسمی، خواندن تحلیلی و انتقادی، خواندن التذادی) و درک مطلب، توانایی صحبت کردن و نوشتن به زبان ادبی و مفهوم را کسب می‌کند. دانش‌آموزان می‌توانند مهارت‌های بلاغی و ادبی خود را بهبود بخشند و در آینده، به ادیبانی توانمند تبدیل شوند که خود آفریننده شاهرکارهای ادبی باشند. از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش، که به علل و عوامل ضعف دانش‌آموزان در یادگیری علم بیان و عناصر آن منجر می‌شود، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. استفاده نکردن از ابزار و فناوری‌های نوین تصویری و نمایشی در آموزش عناصر علم بیان؛

۲. بی‌توجهی به نقش تخیل و تصویرسازی ذهنی دانش‌آموزان برای توصیف و تجسم مفاهیم ادبی؛
۳. بی‌توجهی به رویکرد زبان‌شناسی عناصر علم بیان در تدریس و تألیف کتب درسی ادبیات و علوم و فنون؛
۴. بهره‌مند نشدن از متون بلاغی ادبیات در محتوای کتاب‌های درسی علوم و فنون به‌صورت کافی؛
۵. ضعف عمومی دانش‌آموزان در درک مطلب، گنجینه واژگانی، دستور زبان و تحلیل متون؛
۶. کافی نبودن ساعت‌های اختصاص‌یافته به کتاب علوم و فنون و ادبیات در برنامه درسی؛ با توجه به مهارت‌محور بودن این درس‌ها؛
۷. استفاده نکردن از روش‌های تدریس نوین، فعال و گروهی و کاربردی و دانش‌آموز‌محور در آموزش علم بیان؛
۸. جذابیت نداشتن محتوای ادبی کتاب‌های درسی بر مبنای علایق نسل امروز؛
۹. نپرداختن به نقد ادبی و تحلیل زیبایی‌شناسی آثار شاعران بنام به‌منظور رشد سواد ادبی دانش‌آموزان؛
۱۰. غافل شدن از زیبایی‌شناسی و صور خیال تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه در تدریس و تحلیل متون ادبی؛
۱۱. نداشتن تمرین‌های کاربردی و نوشتاری و اکتشافی و خلاق مباحث علم بیان در کتاب علوم و فنون و ادبیات؛
۱۲. ضعف پایه‌ای و نداشتن بنیة علمی و ادبی دانش‌آموزان به دلیل تدریس مجازی و حافظه‌محور؛
۱۳. ضعف عمومی دانش‌آموزان در مهارت‌های چهارگانه زبانی (خواندن، نوشتن، شنیدن و گفتن)
۱۴. ارائه مطالب مربوط به علم بیان به‌صورت ناقص و محدود با اصطلاحات خاص و ناآشنا در کتاب علوم و فنون؛
۱۵. استفاده نکردن دبیران از عناصر علم بیان در تدریس و ارائه معنا و تحلیل فکری متون (شعر و نثر) به دانش‌آموزان.

عوامل و دلایل متعددی در آموزش بهینه و کارآمد آموزش زبان و ادبیات فارسی مؤثرند. این عوامل در صورت بی‌دقتی در اجرا و ارائه نامناسب یا ناکافی، به ضعف‌هایی

بین دانش‌آموزان منجر می‌شوند. با ارائه پیشنهادها و پژوهشی زیر می‌توان تا حدود زیادی عوامل این ضعف‌ها را شناسایی و برطرف کرد:

۱. بررسی میزان توانایی دانش‌آموزان متوسطه دوم در تشخیص و کاربرد عناصر علم بیان در متون ادبی؛

۲. بررسی نقش تخیل در تدریس و آموزش زبان و ادبیات فارسی؛

۳. واکاوی نقش کاربرد فناوری‌های نوین آموزشی در تدریس آرایه‌های ادبی؛

۴. تحلیل محتوای کتاب‌های فارسی دوره متوسطه اول از لحاظ کاربرد علم بیان؛

۵. بررسی تأثیر آموزش علم بیان بر اصل آشنایی‌زدایی در متون ادبی؛

۶. بررسی آموزش عناصر علم بیان بر اساس نظریه‌های زبان‌شناسی؛

۷. واکاوی تأثیر صور خیال علم بیان در قدرت تخیل و تفکر خلاق دانش‌آموزان؛

۸. بررسی میزان اثرگذاری آموزش علم بیان بر مهارت سخنوری و فن بیان دانش‌آموزان؛

۹. بررسی نقش یادگیری ادبیات در ترغیب به نقد ادبی و تفکر انتقادی و تحلیلی دانش‌آموزان؛

۱۰. نقش آموزش تصویری آرایه‌های ادبی در یادگیری و رشد خلاقیت دانش‌آموزان ابتدایی؛

۱۱. بررسی نقش یادگیری آرایه‌های ادبی در ارتقای فهم و ارزیابی ادبیات در دانش‌آموزان.

در ارائه این پژوهش، محدودیت‌هایی از جمله موارد زیر وجود داشت:

۱. محدود کردن پژوهش‌ها به مقطع یازدهم و شهرستان آبیک؛

۲. در دسترس نبودن برخی از همکاران در روند پاسخ‌گویی به دلیل مشغله کاری؛

۳. همکاری نکردن برخی از مدیران برای الزام به پاسخ‌گویی دانش‌آموزان و دبیران در روند پژوهش.

منابع
REFERENCES

- تجلیل، جلیل. (۱۳۹۵). معانی و بیان. مرکز نشر دانشگاهی.
- حیدری، محمدرضا. (۱۳۹۲). پژوهشی در سرچشمه‌های علم بیان در شعر قرن چهارم. نشریه سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، ۲(۶)، ۱۸۳-۲۰۳.
https://bahareadab.com/article_id/389
- خدامی افشاری، رشید، و کمالی، زکيه. (۱۳۹۷). تدریس تشبیه، استعاره و مجاز با رویکردی زبان‌شناسانه. فصل‌نامه رشد آموزش زبان و ادب پارسی، ۳۲(۱)، ۵۵-۵۲.
https://www.roshdmag.ir/Roshdmag_content/media/Magazine2/fa/2018/4/1528.pdf
- شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۱). برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران.
<https://iranarze.ir/blog/wp-content/uploads/2025/06/baname-darsi-melli.pdf>
- شاگری، جلیل. (۱۳۹۰). بررسی و تحلیل صور خیال در شعر نیمای. اخوان، شاملو، به انضمام فرهنگ تصویری ارساله دکتری، پژوهشکده ادبیات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. آ. ایرانداد.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۹). صور خیال در شعر فارسی. نشر آگاه.
- شفیعیون، سعید. (۱۳۹۸). نقد و تحلیل نگاهی تحلیلی به علم بیان. پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ۱۹(۳)، ۱۳۱-۱۳۷.
<https://doi.org/10.30465/crtls.2019.3993>
- شمیسا، سیروس. (۱۳۹۸). معانی بیان. انتشارات فردوس.
- صحرایی، رضامراد، و یگانه، شهناز. (۱۳۹۷). مقایسه سازوکارهای استعاره‌ی زبان علم فارسی در مقاله‌های علمی رشته‌های فیزیک، شیمی، زبان‌شناسی و علوم سیاسی در سه دهه اخیر. مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد)، ۱۰(۱۹)، ۷۲-۴۷.
<https://doi.org/10.22067/lj.v10i19.66551>
- صدیقیان، محمد. (۱۳۹۶). توانمندی دریافت معانی شعر و نثر. مجله رشد زبان و ادب فارسی، ۳(۲)، ۵۳-۴۷.
<https://www.roshdmag.ir/fa/article/19937/>
- علوی‌مقدم، محمد، و اشرف‌زاده، رضا. (۱۳۹۵). معانی و بیان (چاپ سیزدهم). انتشارات سمت.
- فشارکی، محمد. (۱۳۸۸). علم بیان. پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی پژوهش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، ۱(۲)، ۱۰-۱.
- <https://sanad.iau.ir/Journal/parsadab/Article/1028743>
- قمبری، مرتضی. (۱۳۹۸). علل ضعف دانش آموزان در درس ادبیات فارسی. فصل‌نامه مطالعات آموزش زبان فارسی، ۵(۹)، ۱۲-۳.
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.25386042.1398.5.9.4.2>
- کبوتری، جواد، بخشی‌زاده، معصومه، و آریان، حسین. (۱۳۹۶). نگاهی تطبیقی به شعر احمد شاملو و احمد مطر (با رویکرد تحلیل روان‌شناختی بر پایه نظریه شخصیت فروید). مطالعه ادبیات تطبیقی، ۱۱(۴۴)، ۹-۴۴.
https://journals.iau.ir/article_659913.html
- کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۴۰۰). زیباشناسی سخن پارسی «بیان». کتاب ماد وابسته به نشر مرکز.
- گندمکار، راحله، و طبیب‌زاده، امید. (۱۳۹۶). بررسی مجاز در زبان فارسی بر مبنای نظریه مفاهیم واژگانی و الگوهای شناختی. فصل‌نامه زبان پژوهی، ۹(۳۲)، ۲۸-۳۵.
https://zabanpazhuhi.alzahra.ac.ir/article_1840.html
- محمدی، صمد، شکاری، عباس، و مدنی، سیداحمد. (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی آموزش به زبان فارسی از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان دبیرستانی کرد زبان شهرستان سنقر و کلیایی و ارائه راهکارها. فصل‌نامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۵۳(۱۴)، ۱۳۶-۱۱۸.
<https://sanad.iau.ir/Journal/jsre/Article/897809>
- مسعودی، رؤیا، و کلانتری، معصومه. (۱۳۹۵). آموزش کنایه‌های مندرج در کتاب‌های فارسی اول و دوم متوسطه. فصل‌نامه رشد آموزش زبان و ادب فارسی، ۳(۲۹)، ۹۷-۸۲.
<https://www.roshdmag.ir/fa/magazine2/showissue/1171>
- نظری، ماه. (۱۴۰۱). زبان تصویر در علم بیان. انتشارات زوار.

نیلی‌پور، رضا، پورشهباز، عباس، قریشی، زهراسادات، و یوسفی، عاطفه. (۱۳۹۳). بررسی اعتبار و روایی آزمون تصویری نامیدن فارسی. فصل‌نامه آسیب‌شناسی گفتار و زبان، ۱(۴)، ۱۸-۲۵.
<https://www.magiran.com/volume/101451>

هاشمی، زهره. (۱۳۸۹). نظریه استعاره مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون. ادب‌پژوهی، ۴(۱۲)، ۱۱۹-۱۳۹.
https://adab.guilan.ac.ir/article_377.html

Boone, R., & Higgins, K. (1993). Hypermedia basal readers: Three years of school-based research. *Journal of special education technology*, 12(2), 86-106.

<https://doi.org/10.1177/016264349301200202>

Lesaux, N. K., Kieffer, M. J., Kelley, J. G., & Harris, J. R. (2014). Effects of academic vocabulary instruction for linguistically diverse adolescents: Evidence from a randomized field trial. *American Educational Research Journal*, 51(6), 1159-1194.

<https://doi.org/10.3102/0002831214532165>



1. Boone & Higgins
2. Lesaux